

آشنایی با مفاهیم حقوق عمومی

عنوان پژوهش

بررسی مفهوم «حفظ نظام»

شماره مسلسل: ۱۳۹۶۰۰۶۳

تاریخ: ۱۳۹۶/۰۸/۰۴



پژوهشکده شورای نگهبان

شناسنامه

عنوان:

**آشنایی با مفاهیم حقوق عمومی
بررسی مفهوم «حفظ نظام»**

مؤلف:

جواد محمدی

ناظر علمی:

علی بهادری جهرمی

دفتر مطالعات نظام سازی اسلامی

شماره مسلسل: ۱۳۹۶۰۰۶۳

تاریخ انتشار: ۱۳۹۶/۰۸/۰۴

پژوهشکده شورای نگهبان



فهرست مطالب

۲ مقدمه
۳ در آمد
۴ ۱- مفهوم شناسی
۴ ۱-۱. مفهوم لغوی
۴ ۲-۱. مفهوم اصطلاحی
۵ ۲- مفاهیم مشابه
۵ ۱-۲. نظم عمومی
۶ ۲-۲. مصلحت نظام اسلامی
۷ ۳-۲. امنیت ملی
۷ ۳- تاریخچه
۹ ۴- اقسام و انواع حفظ نظام
۹ ۴-۱. حفظ نظام اجتماعی و نظم عمومی مسلمین
۱۰ ۴-۲. تأمین امنیت مسلمین و کشور اسلامی
۱۱ ۴-۳. حفظ نظام سیاسی اسلامی
۱۲ ۵- مبانی فقهی و حقوقی حفظ نظام
۱۲ ۵-۱. مبنای فقهی
۱۲ ۵-۱-۱. ضرورت تشکیل و استمرار حکومت
۱۳ ۵-۱-۲. لزوم اجرای احکام اسلام
۱۳ ۵-۲. آثار حقوقی حفظ نظام
۱۳ ۵-۲-۱. حفظ نظم عمومی
۱۴ ۵-۲-۲. حفظ امنیت ملی
۱۴ ۶- حفظ نظام در حقوق موضوعه‌ی جمهوری اسلامی ایران
۱۶ ۷- جمع بندی
۱۷ ۸- منابع برای مطالعه‌ی بیشتر
۱۸ منابع و مأخذ

مقدمه

در تحقیق و تتبع پیرامون هر گرایش علمی، گام اول آشنایی با مفاهیم پایه‌ای آن علم است. حقوق عمومی به‌عنوان شاخه و گرایشی از علم حقوق از این قاعده مستثنا نیست و آشنایی با مفاهیم حقوق عمومی درگاهی برای ورود و اظهارنظر در موضوعات مرتبط با آن می‌باشد.

از سوی دیگر تأسیس حکومتی برمدار مختصات اوامر الهی نیازمند به نهادها و سازوکارهایی متناسب با آن است. بر این اساس نظام سازی اسلامی پس از تشکیل حکومتی بر مبنای اصول و احکام شریعت مقدس اسلامی ضروری به نظر می‌رسد. حرکت در مسیر این امر مستلزم آشنایی با مفاهیم علمی، مطالعه مبانی و نقد و بررسی آنها بر اساس اندیشه ناب اسلامی است. در این میان مفاهیم حقوق عمومی به‌عنوان گرایش تخصصی رشته حقوق که به بررسی کلان موضوعات مرتبط با حوزه حکومت و حدود اختیار آن، روابط مردم با فرمانروایان و مباحث مشابه آن می‌پردازد از اهمیت والایی برخوردار است.

در همین راستا، موضوع بازخوانی مفاهیم حقوق عمومی در دستور کار دفتر مطالعات نظام سازی اسلامی پژوهشکده شورای نگهبان قرار گرفته است. هدف از این امر آشنایی با تعاریف مفاهیم، تاریخچه، اقسام و انواع، بررسی مبانی آن در حقوق موضوعه و مطالعه تطبیقی با مبانی اسلامی و بررسی موضوع در قوانین و سازوکارهای حقوقی نظام جمهوری اسلامی ایران و ارائه نقد و تحلیلی اجمالی از آن است تا به این واسطه گام نخست در عرصه نظام سازی اسلامی برداشته شود.

«حفظ نظام، حفظ النظام، (1) system maintain»

درآمد

نظم و امنیت بستر تحقق خواسته‌های متفاوت انسان در دنیاست و اگر بی‌نظمی و ناامنی بر جامعه حاکم شود، تلاش مادی‌گرایان و اهل ایمان هر دو بی‌ثمر خواهد بود. از این رو حفظ نظم و امنیت در جامعه مورد توافق نوع بشریت است و ادعای عده‌ی قلیلی که خلاف این سخن را در جامعه ترجیح می‌دهند، مغالطه‌ای بیش نیست. دین مبین اسلام نیز به‌منظور جریان یافتن در متن اجتماع به این بستر حیاتی نیاز دارد، البته عمل به فرمان‌های اسلامی نیز خود عامل پدیدارکننده و مثبت نظم و امنیت خواهد بود.

احکام اسلامی بدون وجود دستگاه مجریه و در رأس آن حاکم جامعه‌ی اسلامی امکان اجرا نمی‌یابد؛ بنابراین مسئله‌ی حفظ حکومت اسلامی اصلی‌ترین ناظم زندگی مسلمین خواهد بود و حفظ نظامات گوناگون در جامعه‌ی مسلمین منوط به حفظ بزرگ‌ترین نظام جامعه یعنی نظام سیاسی خواهد بود. این ارتباط تنگاتنگ بین حفظ نظام سیاسی و حفظ سایر نظامات زندگی مسلمین اگرچه در عرصه‌ی عمل به دلیل دور بودن ائمه‌ی حق از حکومت مدت‌های طولانی مغفول مانده بود، پس از تشکیل جمهوری اسلامی ایران در سخنان بنیانگذار انقلاب اسلامی نمود فراوان یافت و به ادبیات رایج تبدیل شد و حفظ نظام اسلامی به‌عنوان یکی از واجبات مؤکد معرفی شد. البته مفهوم حفظ نظام در طول تاریخ اسلام مطرح بوده و سکوت امیرالمؤمنین (ع)، صلح امام حسن (ع) و حتی فتاوی علمای اهل سنت بر عدم جواز مقابله با حکام در همین زمینه ارزیابی می‌شود. اهمیت بررسی این مفهوم در این است که اجرای این قاعده در گستره‌ی وسیع نظام می‌تواند تأثیرات فراوانی در زمینه‌ی حقوق عمومی داشته باشد و زندگی مردم را تحت تأثیر قرار دهد.

۱. با توجه به نبود مترادف انگلیسی برای اصطلاح حفظ نظام نوعی ترجمه‌ی تحت‌اللفظی از این اصطلاح ارائه شده است.

۱- مفهوم شناسی

برای آشنایی با مفهوم حفظ نظام، معنای لغوی و همچنین مفهوم اصطلاحی آن را در دو بخش مجزا بررسی می‌کنیم.

۱-۱. مفهوم لغوی

اصطلاح «حفظ نظام» متشکل از دو واژه‌ی حفظ و نظام است. «حفظ» واژه‌ای عربی بوده که به معنای مختلفی همچون به خاطر سپردن، نگهداری کردن و ... آمده است.^(۱) به نظر می‌رسد معنای آن در اصطلاح حفظ نظام، نگهداری، صیانت، نگهداشتن، حراست و محافظت است. «نظام» نیز واژه‌ای عربی و از ریشه‌ی نظم است که در معنای تألیف، تجمیع و قرین کردن چیزی به چیز دیگر و نخی که با آن مروراید یا هر چیز دیگری به نظم کشیده می‌شود، همچنین هدیه، سیره و عادت به کار رفته است.^(۲) در زبان فارسی نیز واژه‌ی نظام به معنای نظم دادن، آراستن، به رشته کشیدن مروراید، رویه، عادت و روش است.^(۳)

۱-۲. مفهوم اصطلاحی

واژه‌ی «حفظ نظام» در بیان فقها تعریف منقحی ندارد، بلکه به تناسب ابواب و موضوعاتی که در آن‌ها به استناد حفظ نظام فتوا داده‌اند، می‌توان معانی مختلفی را اصطلاحاً برای حفظ نظام برداشت کرد که به تفصیل در بخش اقسام و انواع حفظ نظام بررسی خواهند شد.

در معنای اول اصطلاحاً حفظ نظام در معنای حفظ نظام زندگی و معیشتی مسلمانان استفاده شده است؛ در همین معنا اشتغال به بعضی از مشاغل و حرفه‌ها همچون بعضی صنایع^(۴) یا قضاوت^(۵) که نظام معیشتی مردم بر آن‌ها استوار است، از

۱. انیس ابراهیم و دیگران، فرهنگ المعجم الوسیط، ترجمه محمدبندر ریگی، تهران، انتشارات اسلامی، ج ۲، ۱۳۸۶، ص ۳۸۷.
۲. ابن منظور، محمدبن مکرم، لسان العرب، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۸ق، ج ۱۲، ص ۵۷۸.
۳. عمید، حسن، فرهنگ فارسی عمید، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۳، ص ۱۱۶۳.
۴. انصاری، مرتضی، المکاسب، قم، کنگره‌ی شیخ انصاری، ۱۴۱۵ق، ج ۲، ص ۱۳۷.
۵. نجفی، محمدحسن، جواهرالکلام فی شرح شرایع الاسلام، بیروت، دارالاحیاء التراث العربی، ج هفتم، ۱۹۸۱م، ج ۴۰، ص ۴۰.

باب حفظ نظام واجب تلقی شده است. در معنای دوم به حفظ نظام به عنوان حفظ کشور اسلامی و مسلمانان نگاه شده و با این نگاه بعضی فقها، با استناد به عدم رضای شارع مقدس به اختلال نظام، حفظ و نظم مملکت اسلامی را مهم‌تر از تمام امور حسبیه و از اوضح قطعیات دانسته‌اند.^(۱)

حفظ نظام در معنای سوم نیز به منزله‌ی حفظ حکومت اسلامی تلقی شده است. در جایی که امام خمینی (ره) حفظ نظام جمهوری اسلامی ایران را از اهم واجبات عقلی و شرعی بیان می‌دارند، همین معنا از حفظ نظام مورد نظر است.^(۲) در مجموع با این نگاه می‌توان گفت که حفظ نظام همه‌ی نظاماتی را که اختلال در آن‌ها به اختلال در نظام حکومتی یا زندگی مسلمین منجر می‌شود، در برمی‌گیرد.

۲- مفاهیم مشابه

در کنار مفهوم حفظ نظام مفاهیم دیگری وجود دارد که از جهاتی به آن شباهت دارند. در این جا سه مفهوم «نظم عمومی»، «مصلحت عمومی» و «امنیت ملی» بررسی می‌شود.

۲-۱. نظم عمومی

مفهوم نظم عمومی را می‌توان به علل مختلفی مانند اختلاف نظر حقوقدانان، نبود تعریفی از نظم عمومی در بیشتر قوانین کشورها و ارتباط نظم عمومی با اخلاق، سیاست، اقتصاد و مبانی تمدن حاکم جوامع، مفهومی مبهم دانست که ارائه‌ی تعریفی واحد از آن دشوار است.^(۳) اما می‌توان گفت نظم عمومی مجموعه‌ی تأسیسات حقوقی و قواعد مربوط به حسن جریان امور راجع به اداره‌ی کشور و حفظ امنیت و اخلاق است که تجاوز بدان‌ها ممکن نیست،^(۴) یا می‌توان آن را مجموعه‌ی قواعدی دانست

۱. نائینی، محمدحسین، تنبیه‌الامه و تنزیه‌المله، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۴۲۴ق، ص ۴۰.

۲. خمینی، سید روح‌الله، صحیفه‌ی امام، تهران، مؤسسه‌ی حفظ و نشر آثار امام خمینی (ره)، ۱۳۷۸، ج ۱۹، ص ۱۵۳.

۳. صادقی، محسن، «مفهوم و اعمال نظم عمومی در مراجع قضایی و شبه قضایی و جلوه‌های نوین آن»، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، ش ۶۸، تابستان ۱۳۸۴، ص ۹۱.

۴. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، مبسوط در ترمینولوژی حقوقی، تهران، کتابخانه گنج دانش، چ ۳، ۱۳۸۶، ص ۳۶۵۳.

که به دلیل حفظ مصلحت جامعه، توافق برخلاف آن ممکن نیست.^(۱) با این تعاریف می‌توان گفت نظم عمومی با منافع و مصالح عالی و بنیادی جامعه کاملاً در ارتباط است و اندیشه‌ی حاکم بر جامعه و مصالح کشور ملاک تشخیص دادرسان از نظم عمومی خواهد بود.^(۲) با توجه به تعریف بیان‌شده از نظم عمومی و تأکید آن بر حسن جریان امور و حفظ امنیت، شاید بتوان آن را نزدیک‌ترین مفهوم به حفظ نظام دانست، با این تفاوت که غایت مفهوم نظم عمومی با توجه به نظام ارزشی هر جامعه متفاوت از جامعه‌ی دیگر خواهد بود؛ اما مفهوم حفظ نظام، ناظر بر ارزش‌های اسلامی است و فراتر از حفظ نظم عمومی در یک کشور خواهد بود.

۲-۲. مصلحت نظام اسلامی

مصلحت از ماده‌ی صلح، به معنای منفعت و ضد فساد است و گاه به صورت مجازی به کاری که به منفعت و سود بینجامد نیز گفته می‌شود.^(۳) مصلحت یکی از عناوینی است که در فقه اسلامی جایگاه ویژه‌ای دارد و در تبیین مفهوم آن، هم رابطه‌ی آن با احکام شرعی روشن می‌شود و هم اختیارات ولی فقیه را مشخص می‌کند. از دیدگاه کلام شیعی و معتزلی، همه‌ی احکامی که از سوی شارع جعل شده، مبتنی بر وجود مصالح و مفاسدی است و خداوند بر پایه‌ی آن مصالح و مفاسد، احکام شرعی را وضع کرده است؛ بنابراین ثبوت مصلحت یا مفسده در اوامر و نواهی الهی امری مسلم است.^(۴) کاربرد مصلحت در فقه شیعه منبعی مستقل برای استنباط احکام شرعی نیست، بلکه تنها شرط اجرای حکم و مصلحت اجرائیه یا معیار تقدم یک حکم بر دیگری است. مشابهت مفاهیم مصلحت و حفظ نظام در این است که یکی از اصلی‌ترین مصالح جامعه که باید ولی جامعه آن را شناسایی کند و در صورت تراحم

۱. کاتوزیان، ناصر، دوره مقدماتی حقوق مدنی؛ اعمال حقوقی-قرارداد-ایقاع، تهران، انتشارات شرکت سهامی انتشار، ۱۳۷۹، ص ۵۲.

۲. صادقی، «مفهوم و اعمال نظم عمومی در مراجع قضایی و شبه قضایی و جلوه‌های نوین آن»، همان، ص ۹۲.

۳. فراهیدی، خلیل‌بن احمد، کتاب العین، قم، اسوه، چ اول، ۱۴۱۴ق، ج ۳، ص ۱۰۰۱.

۴. حلی، حسن بن یوسف، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، تصحیح حسن حسن‌زاده آملی، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۳ق، ج ۴، ۱۴۱۳ق، ص ۳۱۸.

با سایر احکام مقدم داشته شود، حفظ نظام اسلامی است که منافع عامه را در پی دارد و حفظ نظام تماماً قرین مفهوم مصلحت است. البته مفهوم مصلحت در فقه فردی نیز جایگاه دارد که مصالح موقوف علیهم توسط متوکی وقف و لزوم رعایت مصالح یتیم توسط سرپرستان او از این دست است و خارج از محدوده‌ی حفظ نظام که مربوط به فقه حکومتی است، قرار می‌گیرد.^(۱)

۲-۳. امنیت ملی

درباره‌ی مفهوم امنیت ملی تعاریف مختلفی وجود دارد؛ اما به نظر می‌رسد امنیت ملی را می‌توان به معنای حفاظت و صیانت از موجودیت فیزیکی، زیستی و معیشتی، فرهنگی و ارزشی مردم، سرزمین و نظام سیاسی و ارتقا و بهینه‌سازی آن و دستیابی به اهداف و منافع ملی در دوران جنگ و صلح، در قبال تهدیدات بالقوه و بالفعل داخلی و خارجی دانست.^(۲) با این تعریف می‌توان امنیت ملی را بخشی از مفهوم کلی حفظ نظام دانست، زیرا امنیت، بی‌شک یکی از اصلی‌ترین نظامات موجود در یک جامعه است که باید صیانت شود، اما علاوه بر امنیت، نظامات دیگری نیز در یک جامعه وجود دارد که همچنان ذیل مفهوم حفظ نظام جای می‌گیرد.

۳- تاریخچه

حفظ نظام زندگی انسان و سامان یافتن آن به منظور نیل به سعادت دنیوی و اخروی امری عقلانی و انکارناپذیر است و قاعدتاً پیشینه‌ی آن به ابتدای خلقت انسان بازمی‌گردد. اما به صورت تاریخی این مسئله اولین بار در گزارش‌های تاریخی دوران قرون وسطی ثبت شده است. از آنجا که پاپ و کلیسا موفق به بسط حاکمیت خود بر کلیه‌ی امور در اروپا شده بودند، در آن زمان مسئله‌ی حفظ ثبات نظام در اولویت حکام مسیحی قرار گرفت و ایجاد تغییر در نظام که موهبت الهی قلمداد می‌شد، نوعی عمل شیطانی به حساب می‌آمد. در این دوران توماس اکویناس قتل حاکم جبار در صورت تجویز کلیسا را مجاز، اما اقدام به هر گونه قیام بدون اجازه‌ی کلیسا را ممنوع

۱. جوادی آملی، عبدالله، ولایت فقیه، ولایت فقاها و عدالت، قم، اسراء، ج ۲، ۱۳۷۹، ص ۲۵۱.

۲. افتخاری، اصغر، «ساختار و تأویل امنیت»، فصلنامه‌ی مطالعات راهبردی، ش ۱۵، ۱۳۸۱، ص ۴۹.

و حرام اعلام کرد.^(۱)

اما حفظ نظام در معنای اسلامی آن در تمامی حوادث صدر اسلام به عنوان یک اصل به چشم می خورد. آغاز رسالت پیامبر (ص) و به خصوص تشکیل حکومت اسلامی توسط ایشان، زمینه‌ی ایجاد حوادث مختلفی را برای اخلال در کلیه‌ی نظامات جامعه از سوی دشمنان اسلام پدید آورد که برخورد پیامبر اکرم (ص) با این حوادث در قالب جنگ و پیمان صلح همه مشمول قاعده‌ی حفظ نظام می شود؛ چه اینکه جنگ‌های مسلمانان در آن دوران همه برای دفاع از کیان اسلام و حفظ نظام اسلامی در تمامی شقوق آن بوده است.^(۲) اما مفهوم حفظ نظام در زمان امیرالمؤمنین علی (ع) نیز نمود پیدا کرد. حضرت علی (ع) پس از رحلت پیامبر اکرم (ص) برای رفع ناهنجاری عظیمی که رخ نموده بود، تلاش بسیار کرد؛ اما هنگامی که احساس کرد کیان اسلام در معرض خطر قرار دارد، با خلیفه‌ی وقت دست بیعت داد.^(۳) در طول دوران خلافت خلفای سه گانه نیز به خصوص در مواقع جنگ، در جهت حفظ نظام و رعایت مصلحت اسلام و مسلمین، به آن‌ها مشورت می دادند و در بن بست‌ها ارائه‌ی راهکار می کردند.^(۴) در طول تاریخ نیز فقهای شیعه در مواردی به منظور حفظ نظام، تصمیماتی را اتخاذ کرده‌اند که نشان دهنده‌ی توجه به این مفهوم در میان فقهای شیعه است. از منظر بعضی فقها در مقام دفاع از مسلمانان و حفظ نظام اسلامی، در معیت حاکم جائر نیز می توان جهاد کرد^(۵)، از همین رو برای مثال مرحوم شیخ جعفر کاشف الغطاء برای حفظ بیضه‌ی اسلام، حکم جهاد با روسیه را در زمان فتحعلی شاه قاجار صادر کرد.^(۶)

۱. ویل دورانت، تاریخ تمدن، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۶، ج ۶، ص ۴۶
۲. ابن هشام الحمیری، السیره النبویه، تحقیق مصطفی السقا و ابراهیم الأبیاری و عبد الحفیظ شلیبی، بیروت، دارالمعرفه، بی تا، ج ۱، صص ۸۵، ۱۵۶، ۲۲۳.
۳. سبحانی، جعفر، فروغ ولایت، قم، مجمع جهانی اهل بیت (ع)، ۱۳۸۷، ص ۱۶۸.
۴. برای مطالعه‌ی بعضی از این موارد رک: ابن اعثم، ابو محمد، الفتوح، تحقیق علی شیری، بیروت، دارالاضواء، ۱۴۱۱ق، ج ۲، صص ۲۹۳-۲۹۶.
۵. طباطبایی حائری، سید علی، ریاض المسائل فی تحقیق الأحکام بالدلائل، قم، مؤسسه آل‌البیت (ع)، ۱۴۱۸ق، ج ۸، ص ۱۴.
۶. فراهانی، میرزا ابوالقاسم، رساله‌ی جهادیه، قم، مؤسسه‌ی دائره‌المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت (ع)، ۱۴۲۶ق، صص ۵۵۱ و ۵۵۲.

به دلیل تشکیل نشدن حکومت در میان شیعیان، مفهوم حفظ نظام در گذر تاریخ و در فقه تشیع بسیار کمتر از فقه اهل سنت مورد بحث قرار گرفته است. در فقه اهل سنت، حفظ نظام و جلوگیری از فتنه و آشوب و خونریزی ضروری تلقی می‌شود و هیچ واجبی اهم از آن نیست و همه باید در خدمت نظام باشند تا موجب تفرقه‌ی مسلمانان نشوند. البته قرائت اهل سنت از مفهوم حفظ نظام را شاید بتوان تا حدودی متأثر از قدرت حاکمان جور، برای بقای قدرتشان دانست.^(۱) اما انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی (ره) و ایجاد نظام اسلامی، سبب احیای مجدد مفهوم حفظ نظام در فقه تشیع شد و ایشان حفظ اسلام را تکلیف شرعی و بالاترین فریضه اسلامی دانستند که حتی بالاتر از جان مؤمن به حساب می‌آید.^(۲)

۴- اقسام و انواع حفظ نظام

به منظور روشن تر شدن ابعاد مختلف مفهوم حفظ نظام، می‌توان این مفهوم را در سه معنای مختلف تفسیر کرد که در ادامه هر کدام به اختصار بررسی می‌شود. شایان ذکر است که این معانی از یکدیگر منفک نیست و امکان ارائه‌ی ابعاد یا انواع حفظ نظام در دسته‌بندی‌های متفاوت دیگر نیز وجود دارد.

۴-۱. حفظ نظام اجتماعی و نظم عمومی مسلمین

منظور از نظام جامعه، زندگی و معیشت مردم، اموری است که قوام جامعه و مردم به آن وابسته است و در صورت اخلال در آن، نظم زندگی و معیشت مردم به خطر می‌افتد و نظام اجتماعی دچار هرج و مرج می‌شود؛ از این رو آنچه سبب برهم ریختن نظام زندگی و معیشت جامعه می‌شود، حرام و کارهایی که برای حفظ نظام جامعه لازم است، واجب خواهد بود.^(۳) مسلم است که حفظ نظام معیشتی جامعه در حکومت غیراسلامی نیز قابل تصور است.

۱. جعفری‌پیشه، مصطفی، «حق ترمرد و وجوب حفظ نظام از منظر اهل بیت و اهل سنت»، فصلنامه‌ی طلوع نور، سال نهم، ش ۳۳، ۱۳۸۹، ص ۶۳.

۲. خمینی، صحیفه‌ی امام، همان، ج ۱۶، ص ۴۶۵.

۳. مکارم شیرازی، ناصر، بحوث فقهیه هامة، قم، مدرسه‌ی امام علی بن ابی طالب (ع)، ۱۴۲۲ق، ص ۵۰۵.

یکی از مواردی که به وجوب حفظ نظام استناد شده، بحث از واجبات نظامیه^(۱) است. عموم فقها معتقدند که اشتغال به برخی شغلها و حرفهها که نظام معیشتی مردم بر آن استوار است، واجب کفایی است، زیرا اگر به آنها پرداخته نشود، در زندگی مردم اختلال ایجاد می‌شود. این دسته از واجبات را «واجبات نظامیه» گفته‌اند، به این دلیل که نظام و سامان گرفتن زندگی اجتماعی متوقف بر آنهاست و چون اسلام می‌خواهد که زندگی اجتماعی مردم، نظام و سامان داشته باشد، آن افعال را بر مردم واجب کفایی کرده است.^(۲)

به‌علاوه ردیابی از مسئله‌ی حفظ نظام زندگی در بسیاری از ابواب فقهی مانند جواز اخذ اجرت بر قضاوت^(۳) احتکار، نقض حکم حاکم، عدم مشروعیت احتیاط در جمیع احکام^(۴)، امارت ید و سوق مسلمین، کفایت عدالت ظاهری شاهد، لزوم رعایت مقررات مشروعیه‌ی دولت اسلامی و ...^(۵) دیده می‌شود و در مواردی تحت عنوان «وجوب حفظ نظام» و در مواردی دیگر تحت عنوان «حرمت اختلال نظام» از آن یاد شده است.^(۶)

۴-۲. تأمین امنیت مسلمین و کشور اسلامی

یکی دیگر از انواع و متعلقات حفظ نظام که مورد اتفاق تمام فقهای شیعه، بلکه تمام مسلمانان است^(۷)، جهاد با کفار و دفع آنان از سرزمین اسلامی به‌منظور حفظ کشور اسلامی، جان، مال و ناموس مسلمانان و دفاع از اساس اسلام است.^(۸)

شیخ طوسی و مرحوم صاحب جواهر دفع خطر از ناحیه‌ی دشمن بیگانه‌ای را که با هدف نابودی مسلمانان و اصل اسلام حمله کرده است، استثنایی بر حکم عدم جواز

۱. انصاری، المکاسب، همان، ج ۲، ص ۱۳۷

۲. نائینی، محمدحسین، المکاسب و البیع، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ج اول، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۱۴.

۳. حلی، حسن بن یوسف، تحریر الاحکام الشرعیه علی مذهب الامامیه، قم، مؤسسه آل‌البیت (ع)، ۱۴۱۵ق، ج ۲، ص ۱۷۹.

۴. نجفی، جواهرالکلام فی شرح شرایع الاسلام، ج ۴۰، ص ۴۰.

۵. جعفرپیشه، «حق تمرد و وجوب حفظ نظام از منظر اهل بیت و اهل سنت»، همان، ص ۶۹.

۶. مهوری، محمدحسین، «حفظ نظام»، فصلنامه‌ی حکومت اسلامی، ش ۲۰ و ۲۱، ۱۳۸۰، ص ۱۱۲.

۷. مهوری، «حفظ نظام»، همان، ص ۱۱۲.

۸. کاشف الغطاء، جعفر، کشف الغطاء، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۸۳، ج ۴، ص ۲۸۸.

جهاد در غیاب امام معصوم (ع) یا جهاد همراه پیشوای ستمگر می‌دانند.^(۱) برخی فقها حفظ مملکت اسلامی از مداخله‌ی بیگانگان را یکی از انواع حفظ بیضه‌ی مسلمین در معنای حفظ نظام دانسته‌اند و از این جهت بر لزوم تدارک قوای نظامی دفاعی جهت دفع حمله بر مسلمین و اساس اسلام تأکید کرده‌اند.^(۲)

به نظر می‌رسد حفظ نظام در قالب حفظ کشور اسلامی و مسلمین نیز منحصر به حکومت‌های اسلامی نیست و حتی در حکومت‌های جائر و غیراسلامی نیز موضوعیت دارد.

۴-۳. حفظ نظام سیاسی اسلامی

سومین نوع از انواع حفظ نظام، حفظ نظام سیاسی مشروع است. البته قید مشروع بودن، حفظ نظام‌های سیاسی جائر و فاسد را از شمول حکم به حفظ نظام خارج می‌کند و حتی برخی فقها قائل به وجوب قیام علیه حکومت جور و تأسیس حکومت اسلامی‌اند.^(۳) ادله‌ی مبتنی بر لزوم تشکیل حکومت در زمان غیبت، حفظ و عدم اخلال در آن را نیز دلالت می‌کند. بنابر نظر امام خمینی (ره)، حکومت، دستگاه اجرای احکام اسلام و اداره‌ی امور مسلمین است و نظم و عدالت و تعالی اجتماعی، اعتقادی و اخلاقی را در پی خواهد داشت و سبب اجتناب از ظلم و هرج و مرج و فساد خواهد شد^(۴) و اجرای احکام الهی تا قیامت که دلیل اصلی تشکیل حکومت است، دلیل لزوم استمرار، بقا و عدم اخلال در آن نیز خواهد بود. در این صورت مسلم است که وجوب حفظ نظام اسلامی حتی مقدم بر سایر احکام شرعی خواهد بود؛ یعنی پس از تشکیل حکومت اسلامی همه‌ی نظامات وابسته به حفظ نظام خواهد شد و در صورتی که میان مصلحت نظام اسلامی و سایر مصالح تراحم باشد، مصلحت نظام مقدم شده و حکم دیگر موقتاً تعطیل می‌شود؛ چراکه در صورت حفظ نظام فرصت لازم برای اجرای احکام اسلام و معرفی اسلام ناب به جهان فراهم می‌باشد، ولی در صورت فقدان نظام، زمینه‌ی نابودی

۱. طوسی، محمدبن حسن، النهایه، بیروت، دارالکتاب العربی، ج دوم، ۱۴۰۰ق، ص ۲۹۰؛ نجفی، جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام، ج ۲۱، ص ۴۷.

۲. نائینی، تنبیه‌الامه و تنزیه‌المله، همان، ص ۴۰.

۳. مهوری، «حفظ نظام»، همان، ص ۱۱۳.

۴. خمینی، روح‌الله، ولایت فقیه، تهران، مؤسسه‌ی تنظیم و نشر آثار امام، چ پنجم، ۱۳۷۶، ص ۱۹.

کامل یا استحالهی قطعی مکتب اسلام فراهم می‌گردد.^(۱) همچنین پیامبر اکرم (ص) حاکم اسلامی را با عنوان «نظام الاسلام» خطاب می‌کنند: «سخن کسی که خداوند او را امارت داده است، بشنوید و از او فرمان برید که همانا او نظام اسلام است».^(۲)

۵- مبانی فقهی و حقوقی حفظ نظام

۵-۱. مبانی فقهی

مفهوم حفظ نظام از مواردی است که به دفعات در کتاب‌های فقهی یافت می‌شود و برخی نیز سعی در شناسایی این مفهوم در قالب قاعده‌ای فقهی کرده‌اند. به طور اجمال می‌توان موارد مذکور در کتاب‌های فقهی را ذیل دو موضوع کلان به عنوان مبانی مفهوم حفظ نظام دسته‌بندی کرد:

۵-۱-۱. ضرورت تشکیل و استمرار حکومت

بی‌شک همه‌ی دلایل و شواهدی که بر ضرورت ایجاد حکومت و نظام اسلامی دلالت دارند، به طریق اولی بر حفظ و پاسداری آن نیز دلالت دارند. وجود مجموعه‌ای از قوانین برای اصلاح جامعه کافی نیست و برای اینکه قانون مایه‌ی اصلاح و سعادت بشر قرار گیرد، به دستگاه مجری نیاز دارد. این اجرا مخصوص زمان خاصی نیست و در تمام زمان‌ها باید استمرار داشته باشد. این امر در زمان رسول اکرم (ص) وجود داشته و بدیهی است که پس از ایشان نیز لزوم وجود حکومت از بین نمی‌رود و همچنان تشکیل و استمرار حکومت اسلامی امری است که شارع مقدس مطلقاً راضی به ترک آن نخواهد بود.^(۳) امام خمینی (ره) حفظ نظام را یکی از واجبات عقلی و شرعی می‌داند که مانع از هم پاشیدن جامعه می‌شود^(۴) و هدف غایی آن را حفظ اسلام ذکر می‌کنند.^(۵)

۱. خمینی، روح‌الله، کتاب البیع، تهران، مؤسسه‌ی تنظیم و نشر آثار الامام‌الخمینی، ۱۴۲۱ق، ج ۲، ص ۴۲۱.
 ۲. «اسْمَعُوا وَ اطِيعُوا لِمَنْ وَّلَاهُ اللَّهُ الْأَمْرَ فَإِنَّهُ نِظَامُ الْإِسْلَامِ» (مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، بیروت، مؤسسه‌ الوفا، ۱۴۰۴ق، ج ۲۳، ص ۲۹۸؛ مفید، محمدبن محمد، الامالی، قم، کنگره‌ی هزاره‌ی شیخ مفید، ۱۴۱۳ق، ص ۱۴)

۳. خمینی، ولایت فقیه، همان، ص ۲۵.

۴. خمینی، صحیفه‌ی امام، همان، ج ۱۱، ص ۴۹۴.

۵. خمینی، صحیفه‌ی امام، همان، ج ۱۵، ص ۳۲۹.

۵-۱-۲. لزوم اجرای احکام اسلام

حکومت ضامن اجرای احکام اسلام و حافظ تمامی نظامات موجود در جامعه خواهد بود و اصل اسلام و کيان مسلمين و حتى معيشت مردم را تأمین خواهد کرد. اجرای احکام اسلامی در جامعه نیازمند امنیت و آرامش است و پذیرش عدم تحقق قوانین در بستر هرج و مرج و بی‌نظمی، امری مورد توافق عقلای عالم است. از سویی شارع مقدس خود از عقلای عالم و بلکه رئیس آنهاست و طبیعتاً حفظ نظام جامعه و جلوگیری از هرج و مرج و اختلال در آن به‌عنوان مقدمه‌ی اجرای اسلام در جامعه مورد خواست و رضای شارع خواهد بود؛ بنابراین حفظ نظام و جلوگیری از اختلال در زندگی مسلمین قاعده‌ای عقلی و ضروری است که به حکم عقل توسط فقها پذیرفته شده است.^(۱)

۵-۲. آثار حقوقی حفظ نظام

دو عنوان «حفظ نظم» و «امنیت عمومی» را می‌توان مهم‌ترین آثار حقوقی این مفهوم فقهی در عالم حقوق در نظر گرفت.

۵-۲-۱. حفظ نظم عمومی

مفهوم حفظ نظام در اندیشه‌ی حقوقی را می‌توان بر مبنای حفظ نظم عمومی شناسایی کرد. این مسئله ناظر به جلوگیری از هرج و مرج و اختلال در نظام معیشتی مردم است که تحت عنوان نظم عمومی از آن بحث می‌شود. ارائه‌ی تعریف کاملی از نظم عمومی بسیار دشوار است، اما به‌طور کلی نظم عمومی عبارت است از مجموعه تأسیسات حقوقی و قوانین وابسته به حسن جریان لازم امور مربوط به اداره‌ی کشور یا راجع به صیانت امنیت و اخلاق در روابط مردم که اراده‌ی افراد جامعه در خلاف جهت آنها بلااثر باشد. بنابراین نظم عمومی به‌طور آشکار با منافع و مصالح جامعه مرتبط بوده و طبیعت آن به‌گونه‌ای است که همه‌ی افراد باید آن را محترم بشمرند و تجاوز به آن غیرممکن باشد.^(۲) البته نظم عمومی به‌عنوان مبنای حقوقی مفهوم حفظ نظام در جوامع غیردینی امری نسبی و سرزمینی است که به فراخور زمان و مکان قابل

۱. الموسوی الخوئی، السید ابی القاسم، مبانی التکمله المنهاج، النجف الاشرف، مطبعه الاداب، بی‌تا، ج

۲، ص ۳۸.

۲. کاتوزیان، دوره مقدماتی حقوق مدنی؛ اعمال حقوقی-قرارداد-ایقاع، همان، ص ۵۲.

تغییر است و فصل مشترک آن حفظ منافع مادی و معیشتی مردم است.^(۱)

۵-۲-۲. حفظ امنیت ملی

حفظ امنیت در کشور می‌تواند یکی دیگر از مبانی حقوقی مفهوم حفظ نظام باشد. به بیان دیگر، حفظ ثبات در جامعه و مقابله با تهدیدات گوناگونی که می‌تواند حیات یک کشور را به مخاطره بیندازد، مسئله‌ای است که در تمامی نظامات سیاسی مورد توجه قرار گرفته است. امنیت ملی را می‌توان حفاظت و صیانت از موجودیت فیزیکی، زیستی و معیشتی، فرهنگی و ارزشی مردم، سرزمین و نظام سیاسی و ارتقا و بهینه‌سازی آن و دستیابی به اهداف و منافع ملی در دوران جنگ و صلح، در قبال تهدیدات بالقوه و بالفعل داخلی و خارجی دانست.^(۲) در نتیجه لزوم حفظ امنیت عمومی را می‌توان یکی از مبانی مهم حفظ نظام به‌شمار آورد.

۶- حفظ نظام در حقوق موضوعی جمهوری اسلامی ایران

جمهوری اسلامی بارزترین و عالی‌ترین مصداق نظام سیاسی اسلامی در دوره‌ی غیبت به‌شمار می‌آید و می‌توان این نظام سیاسی را بزرگ‌ترین حافظ و نگهبان اصل اسلام، امنیت مسلمین و جامعه‌ی اسلامی و نظم عمومی و مانع اختلال در نظام معیشتی و زندگی مردم دانست و تمامی قوانین جمهوری اسلامی را در راستای مفهوم کلی حفظ نظام تعبیر کرد؛ چراکه هدف قانون به‌طور کلی حفاظت از تمامی نظامات اجتماع است. همان‌گونه‌که از لحاظ اصطلاحی حفظ نظام در معانی مختلفی به‌کار رفته، در جمهوری اسلامی ایران نیز راهکارهایی برای حفظ نظام -در معانی مختلف آن- در پیش گرفته شده است. «پیریزی اقتصاد صحیح و عادلانه بر طبق ضوابط اسلامی جهت ایجاد رفاه و رفع فقر و برطرف ساختن هر نوع محرومیت در زمینه‌های تغذیه و مسکن و کار و بهداشت و تعمیم بیمه» در کنار موارد دیگر به موجب اصل ۳ قانون اساسی یکی از وظایف دولت اسلامی است که حفظ نظام در معنای حفظ نظام زندگی و معیشت مسلمانان را شامل می‌شود. اصول اقتصادی دیگر که در فصل اقتصاد و امور

۱. حدادی، مهدی، «مقایسه‌ی مفهوم و کارکرد نظم عمومی در نظام حقوقی بین‌المللی و نظام حقوقی داخلی»، حقوق خصوصی، سال هفتم، ش ۱۶، ۱۳۸۹، ص ۱۶۰.
۲. افتخاری، «ساختار و تأویل امنیت»، همان، ص ۴۹.

مالی قانون اساسی^(۱) نیز ذکر شده‌اند، به نوعی به این موضوع ارتباط دارند.

حفظ کشور اسلامی و مسلمانان نیز مورد توجه قانونگذار اساسی بوده است. انواع مختلف استقلال در اصل ۲ یکی از اهداف نظام برشمرده شده است که به صورت مستقیم به مفهوم حفظ نظام اشاره دارد. در کنار آن به منظور تأمین امنیت ملی و پاسداری از انقلاب اسلامی و تمامیت ارضی و حاکمیت ملی به موجب اصل ۱۷۶ قانون اساسی نهادی تحت عنوان شورای عالی امنیت ملی ایجاد شده است. اما وجه تمایز نظام اسلامی از سایر نظام‌ها، حفظ نظام سیاسی اسلام و به عبارت دیگر تضمین اسلامی ماندن حکومت است که این مهم در قانون اساسی به منزله‌ی مهم‌ترین سند قانونی کشور در دو عنوان تضمین اسلامی بودن قوانین و مسئله‌ی ولایت فقیه وجود دارد؛ به این معنا و در این نگاه، حفظ نظام اسلامی منوط به تضمین اسلامی بودن قوانین و تضمین ولایت فقیه به عنوان رکن اساسی مشروعیت حکومت اسلامی است.

ضرورت ابتدای تمامی قوانین کشور براساس موازین اسلام در اصل ۴ قانون اساسی^(۲) مورد اشاره قرار گرفته است. در اصل ۷۲^(۳) نیز مجلس شورای اسلامی ملزم به وضع قوانین در محدوده‌ی اصول و احکام مذهب رسمی کشور شده است. بر این اساس تا زمانی که اسلام بر قوانین کشور حاکم باشد، بی‌شک تمامی نظامات حاکم بر جامعه حفظ خواهند شد و نظم در امور معیشتی و امنیت در جامعه حکمفرما خواهد بود؛ زیرا مفهوم حفظ نظام بخشی از قوانین اسلام است و در صورت اجرای قوانین اسلامی این مفهوم کاملاً مجری خواهد بود.

به علاوه براساس اصل ۵ قانون اساسی^(۴) در رأس این نظام باید فقیه‌ی عادل، آگاه

۱. اصول ۴۳ تا ۵۵.

۲. اصل ۴ قانون اساسی: «کلیه قوانین و مقررات مدنی، جزائی، مالی، اقتصادی، اداری، فرهنگی، نظامی، سیاسی و غیر این‌ها باید براساس موازین اسلامی باشد. این اصل بر اطلاق یا عموم همه اصول قانون اساسی و قوانین و مقررات دیگر حاکم است و تشخیص این امر بر عهده فقهای شورای نگهبان است.»

۳. اصل ۷۲ قانون اساسی: «مجلس شورای اسلامی نمی‌تواند قوانینی وضع کند که با اصول و احکام مذهب رسمی کشور یا قانون اساسی مغایرت داشته باشد. تشخیص این امر به ترتیبی که در اصل نودوششم آمده بر عهده شورای نگهبان است.»

۴. اصل ۵ قانون اساسی: «در زمان غیبت حضرت ولی عصر «عجل الله تعالی فرجه» در جمهوری اسلامی ایران ولایت امر و امامت امت بر عهده فقیه عادل و باتقوا، آگاه به زمان، شجاع، مدیر و مدبر است که طبق اصل یکصد و هفتم عهده‌دار آن می‌گردد.»

به زمان، مدیر و مدیر قرار داشته باشد که جانشین امام معصوم (ع) در دوران غیبت و ضامن اجرای صحیح احکام اسلام در کشور و بالطبع حافظ اسلام و نظامات جامعه خواهد بود. در نهایت در اصل ۱۷۷ قانون اساسی مذهب رسمی کشور و وجود ولی فقیه به عنوان ضامن اجرای قوانین اسلامی که به جاری شدن احکام اسلامی در جامعه و در نتیجه حفظ تمامی نظامات جامعه منجر می شود، از موارد غیر قابل تغییر و بازنگری قانون اساسی عنوان شده است.

۷- جمع بندی

مفهوم حفظ نظام یکی از اصلی ترین مباحث مطرح در فقه سیاسی اسلام است و می توان آن را حفظ تمامی نظامات حاکم بر جامعه به منظور جلوگیری از اختلال و هرج و مرج دانست. اهمیت فوق العاده ای این حکم به سبب فراهم آوردن بستر مناسب اجرای احکام اسلامی و همچنین حفظ حقوق مسلمین است و حفظ اصل اسلام و کیان مسلمین و حفظ معیشت مردم نیز در کنار حفظ حکومت اسلامی اقسام این مفهوم را شکل می دهند. البته مفهوم حفظ نظام محدود به حفظ نظام اسلامی نیست و انصراف ذهنی مفهوم حفظ نظام به نظام سیاسی به این دلیل است که حکومت اسلامی، ضامن اجرای اسلام است؛ بنابراین پس از تشکیل حکومت اسلامی اقسام حفظ نظام، وابسته به حفظ نظام سیاسی و حکومت اسلامی می شوند و در صورت از دست رفتن حکومت، تمامی نظامات جامعه از اسلام عاری خواهند شد و اختلال و هرج و مرج فراگیر می شود. غایت اصلی حفظ نظام، حفظ اسلام و عمل به فرمان های آن است و ممکن است زمانی برسد که حفظ اسلام تماماً به حفظ حکومت اسلامی وابسته شود که در این حالت لزوم حفظ حکومت بیش از پیش احساس خواهد شد. البته حفظ حکومت ولو به قیمت خالی شدن آن از اصول اسلامی امری است که نقض غرض خواهد بود و رد آن از مسلمات اسلامی است. در فرض نبود حکومت اسلامی نیز مستنداً به قاعده ای عقلی دوری از هرج و مرج و اختلال در نظم و همچنین حفظ کیان اسلام و جان و ناموس مسلمین، این قاعده اجرا می شود و حتی اجازه ای جهاد دفاعی در معیت حاکم جائز نیز از آن استنباط می شود. مفهوم حفظ نظام مفهومی تماماً اسلامی است که مبنای حقوقی آن، مفهوم نظم عمومی است. با این حال بخش هایی از این مفهوم را می توان در نظام های غیردینی مشاهده کرد که یکی از عوامل تحدید اراده ای فردی برای نیل به آزادی اکثریت مردم است.

۸- منابع برای مطالعه‌ی بیشتر

۱. افتخاری، اصغر و محمد صادقی، «بررسی قاعده‌ی حفظ نظام و ابعاد آن در نظام حقوقی- سیاسی جمهوری اسلامی»، فصلنامه‌ی حقوق، دوره‌ی ۴۲، ش ۴، زمستان ۱۳۹۱.
۲. الهام، غلامحسین و سید یحیی موسوی، «وجوب حفظ نظام اسلامی در اندیشه‌ی سیاسی امام خمینی (ره)»، مجلس و راهبرد، ش ۶۹، بهار ۱۳۹۱.
۳. باقی‌زاده، محمدجواد و عبدالله امیدی فرد، «ضرورت حفظ نظام و منع اختلال در آن در فقه امامیه»، شیعه‌شناسی، ش ۴۷، پاییز ۱۳۹۳.
۴. جعفرپیشه، مصطفی، «حق ترمرد و وجوب حفظ نظام از منظر اهل بیت (ع) و اهل سنت»، پژوهشنامه‌ی حکمت و فلسفه‌ی اسلامی، ش ۳۳، پاییز ۱۳۸۹.
۵. جعفری هرنندی، محمد و عالیه عرب، «حکم‌سازی ضرورت حفظ نظام در قلمرو احکام شرعی از دیدگاه فقهی مذاهب اسلامی»، مطالعات تقریبی مذاهب اسلامی، ش ۳۳، پاییز ۱۳۹۲.
۶. ملک افضل‌ی اردکانی، محسن، «آثار قاعده‌ی حفظ نظام»، حکومت اسلامی، ش ۵۸، زمستان ۱۳۸۹.
۷. -----، «حفظ نظام، واجبی مطلق یا مشروط؛ با رویکردی به اندیشه‌ی سیاسی امام خمینی (ره)»، سیاست متعالیه، ش ۱۲، بهار ۱۳۹۵.
۸. ورعی، سید جواد، قاعده‌ی «اختلال نظام؛ مفاد و قلمرو آن در فقه»، حکومت اسلامی، ش ۷۱، بهار ۱۳۹۳.
۹. ولایتی، محسن، «مبانی فقهی حفظ نظام در اندیشه‌ی سیاسی امام خمینی (ره)»، مطالعات انقلاب اسلامی، ش ۴۲، پاییز ۱۳۹۴.

منابع و مآخذ

۱- فارسی

الف) کتابها

۱. انیس، ابراهیم و دیگران، فرهنگ المعجم الوسیط، ترجمه محمدبندر ریگی، تهران، انتشارات اسلامی، چ ۲، ۱۳۸۶.
۲. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، مبسوط در ترمینولوژی حقوقی، تهران، کتابخانه گنج دانش، چ ۳، ۱۳۸۶.
۳. جوادی آملی، عبدالله، ولایت فقیه، ولایت فقاها و عدالت، قم، اسراء، چ ۲، ۱۳۷۹.
۴. خمینی، روح‌الله، ولایت فقیه، تهران، مؤسسه‌ی تنظیم و نشر آثار امام، چ ۵، ۱۳۷۶.
۵. -----، صحیفه‌ی امام، تهران، مؤسسه‌ی حفظ و نشر آثار امام خمینی (ره)، ۱۳۷۸، چ ۱۹.
۶. دورانت، ویل، تاریخ تمدن، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۶، ج ۶، ص ۴۶.
۷. سبحانی، جعفر، فروغ ولایت، قم، مجمع جهانی اهل بیت (ع)، ۱۳۸۷.
۸. عمید، حسن، فرهنگ فارسی عمید، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۳.
۹. فراهانی، میرزا ابوالقاسم، رساله‌ی جهادیه، قم، موسسه‌ی دائره‌المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت (ع)، ۱۴۲۶ق.
۱۰. کاتوزیان، ناصر، دوره مقدماتی حقوق مدنی؛ اعمال حقوقی-قرارداد-ایقاع، تهران، انتشارات شرکت سهامی انتشار، ۱۳۷۹.

ب) مقالات

۱۱. افتخاری، اصغر، «ساختار و تأویل امنیت»، فصلنامه‌ی مطالعات راهبردی، ش ۱۵، ۱۳۸۱.
۱۲. جعفرپیشه، مصطفی، «حق تمرد و وجوب حفظ نظام از منظر اهل‌بیت و اهل سنت»، فصلنامه‌ی طلوع نور، سال نهم، ش ۳۳، ۱۳۸۹.
۱۳. صادقی، محسن، «مفهوم و اعمال نظم عمومی در مراجع قضایی و شبه قضایی و جلوه‌های نوین آن»، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، ش ۶۸، تابستان ۱۳۸۴.
۱۴. حدادی، مهدی، «مقایسه‌ی مفهوم و کارکرد نظم عمومی در نظام حقوقی بین‌المللی و نظام حقوقی داخلی»، حقوق خصوصی، سال هفتم، ش ۱۶، ۱۳۸۹.

۱۵. مهوری، محمدحسین، «حفظ نظام»، فصلنامه‌ی حکومت اسلامی، ش ۲۰ و ۲۱، ۱۳۸۰.

ج) اسناد

۱۶. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.

۲- عربی

۱۷. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۸ق.

۱۸. ابن اعثم، ابومحمد، الفتوح، تحقیق علی شیری، بیروت، دارالاضواء، ۱۴۱۱ق، ج ۲.

۱۹. ابن هشام الحمیری، السیره النبویه، تحقیق مصطفی السقا و ابراهیم الأبیاری و عبد الحفیظ شلبی، بیروت، دارالمعرفه، بی تا، ج ۱.

۲۰. انصاری، مرتضی، مکاسب، قم، کنگره‌ی شیخ انصاری، چ اول، ۱۴۱۵ق، ج ۲.

۲۱. حلی، حسن بن یوسف، تحریر الاحکام الشرعیه علی مذهب الامامیه، قم، مؤسسه آل‌البتیت (ع)، ۱۴۱۵ق، ج ۲.

۲۲. -----، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، تصحیح حسن حسن‌زاده آملی، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۳ق، چ ۴، ۱۴۱۳ق.

۲۳. خمینی، روح‌الله، کتاب البیع، تهران، مؤسسه‌ی تنظیم و نشر آثار الامام خمینی، ۱۴۲۱ق، ج ۲.

۲۴. الخوئی، السید ابی القاسم، مبانی التکمله المنهاج، النجف الاشرف، مطبعه الاداب، بی تا، ج ۲.

۲۵. طوسی، محمدبن حسن، النهایه، بیروت، دارالکتاب العربی، چ دوم، ۱۴۰۰ق.

۲۶. طباطبایی حائری، سید علی، ریاض المسائل فی تحقیق الأحکام بالدلائل، قم، آل‌البتیت (ع)، ۱۴۱۸ق، ج ۸.

۲۷. فراهیدی، خلیل بن احمد، کتاب العین، قم، اسوه، چ اول، ۱۴۱۴ق، ج ۳.

۲۸. کاشف‌الغطاء، جعفر، کشف‌الغطاء، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۸۳، ج ۴.

۲۹. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، بیروت، مؤسسه الوفا، ۱۴۰۴ق.

۳۰. مفید، محمدبن محمد، الامالی، قم، کنگره‌ی هزاره‌ی شیخ مفید، ۱۴۱۳ق.

۳۱. مکارم شیرازی، ناصر، بحوث فقہیہ هامہ، قم، مدرسہ امام علی بن ابی طالب (ع)، ۱۴۲۲ق.
۳۲. نائینی، محمدحسین، مکاسب و البیع، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چ اول، ۱۴۱۳ق، ج ۱.
۳۳. -----، تنبیہ الامہ و تنزیہ الملہ، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، چ اول، ۱۴۲۴ق.
- نجفی، محمدحسن، جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام، بیروت، دارالاحیاء التراث العربی، چ ہفتم، ۱۹۸۱م، ج ۴۰.

امام خمینی (ره):

و از شورای محترم نگهبان می‌خواهم و توصیه می‌کنم، چه در نسل حاضر و چه در نسل های آینده که با کمال دقت و قدرت و ظایف اسلامی و ملی خود را اعاوت تحت تاثیر بیچ قدرتی واقع شوند و از قوانین مخالف با شرع مطهر و قانون اساسی بدون بیچ ملاحظه ای جلوگیری نمایند.

(صحیفه امام ج ۲۱، ص ۴۲۲)



بزهشکده شورای نگهبان

آدرس: تهران، خیابان شهید سپهبد قرنی،
کوچه شهید دهقانی نیا (خسرو سابق)، پلاک ۱۲
صندوق پستی: ۱۴۶۳ - ۱۳۱۴۵
تلفکس: ۰۲۱ - ۸۸۳۲۵۰۴۵
info@shora-rc.ir
www.shora-rc.ir